

متن پرسش

سلام: استاد چی میشه که بعضی وقتا احساسم نسبت به اهل بیت (علیه السلام) و حتی خدا یه جورى میشه، مثلا من واقعا اسم امام علی (علیه السلام) رو می شنوم همه وجودم میشه ایشون و واقعا بعضی وقتا اشکم میاد از اسم ایشون، ولی یه چند وقتی یه جورى شدم، بعضی وقتا میشه حتی تو مجلسی اسم حیدر میاد و من اون حس همیشگی رو ندارم، یه جورایی دنبال دلیل واسه منقلب شدن!!! سن هیجده سالگی فک کنم عجیب ترین سن انسانه!! حتی بعضی وقتا این حس در مورد خداوندی و ربوبیت خدا بهم دست میده، دنبال نشونه خدام و اون حسه خودبه خودی رو بعضی وقتا ندارم!!! و شدیداً عذاب میکشما، شدید، حس می کنم تمام دارایمو از دست دادم، حاضرم هر چی دارم بدم فقط دوباره اسم امام علی منو منقلب کنه البته این حس الحمدلله بر من قالب نیست، نمیدونم این "الحمدلله" که گفتم درسته یا نه، چون نمیدونم این حسه خوبه یا بد، شما بهم بگید، مصداق این حس همون جملس که میگن «شک مقدمه یقینه»! یا نه من گناهی کردم و به خاطر اون این ثروت عظیم از من گرفته شده؟! خلاصه خودتونو بذارید جای من، یه لحظه احساس می کنید به حیدر کرار هیچ حسی ندارید؛ بدترین عذابه، نه؟ پس راه نجاتو نشونم بدید لطفا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً بنده تخصص جوابگوی به این سؤالات را ندارم. اگر کاربران محترم سؤالات عقیدتی داشته باشند و بتوانم جواب دهم؛ در خدمتشان هستم و ان شاء الله کوتاهی نمی کنم. موفق باشید